

فاستعد بالذین و ویدگار
 آلمان گرشنوی پس شاشوند
 هر وی از عمرانی و اسپین
 گر خدا خواهی پس از غیر خدا

اقال شان صدیکی راست شود
 اول ثانی و ثانی است شود
 جز بیاد حق نگردی منطوب
 چون در است برتر و شوم تر

رباعی تاریخ طبعی منومی در است من نتاج طبع
 مخزن انصاف مصنف مدد است من غافل کمال

با و چون با و وزان این است
 وزی تاریخ طبعش قطبها

از کمال خود جهان را ختم
 با و زان در است منطوب

بلند است حکمون اینها است
 مصنف چه دا و سخنها بداد

چو جان درن من منوع
 کز و نیزه نظم مرفوع گردید

خدایا بود نوشته آخرت
 طفیل محمد بن عثمان

درین مزرعه آنچه مزروع
 بر آن قسطو هر چه مطبوع گردید

و در این تاریخ طبعی منومی در است من نتاج طبع
 مخزن انصاف مصنف مدد است من غافل کمال
 با و چون با و وزان این است
 وزی تاریخ طبعش قطبها
 بلند است حکمون اینها است
 مصنف چه دا و سخنها بداد
 خدایا بود نوشته آخرت
 طفیل محمد بن عثمان
 چو جان درن من منوع
 کز و نیزه نظم مرفوع گردید
 درین مزرعه آنچه مزروع
 بر آن قسطو هر چه مطبوع گردید

بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است
بسیار خوشایند است

بسیار خوشایند است

بسیار خوشایند است

قطعه تالیفات طبعیه کلمات طبع سعید ازین

قطعه تالیفات طبعیه کلمات طبع سعید ازین

گفته بود او مرشدنای من

گفته بود او مرشدنای من

سال طبع برین گشت

سال طبع برین گشت

خوشایند است

خوشایند است

بیان چون از او صحبت

بیان چون از او صحبت

چنانست آن بنظر من کمال

چنانست آن بنظر من کمال

بسیار خوشایند است

بسیار خوشایند است

بسیار خوشایند است

بسیار خوشایند است

۱۳

۶۸

سوادش بچو زلف تو پیران
 به نظر ناظرانش تا زکی و او
 و کله های صنایعین نو استمین
 چو پیران طریقت بکته بادش
 بر سر و غمزه و ایمان الهی
 یاز اسرار تو حیدر عیادت
 نیارم پیش ازین تشیر او صفا
 اگر سینه از چشم درونی
 چو قصد از پیش کرد طبعم
 تصانیف نان بی بی بی بی بی
 ای بی نامند دست دغا
 بهمانا و این نگار نظر اول کش

سوی بسیار سپهر عاشقانست
 کتابی می که تازه بوستانست
 فرح بخش این مبلد دانست
 سوی حق ره ناسا لکان است
 چو مرشد مصلی شد است
 چو و کما حقیقت شریک است
 که هر دو صفی کتم اوین است
 بدانی رازهای کاندانست
 سر و ش غیب نظر هم نهانست
 چراغ افروز زبیر مرغان
 بصحن صفحه کاغذ دانست
 مراد قاسم اشتم همانست

تغییرات و اصلاحات
 در کتب و کتب
 در کتب و کتب
 در کتب و کتب

المقام تقی اسرار غیبی
 سال پیش چراغ روشن
 صد شکر از این مرآت عجبی
 بدست میرا کی راه بینی
 ولایه

خاتمه است

حافظ جمال لاری
بدره العارفين
راوايه
مکتبه و المکتبه
مشهوره
صنف
جمعی
مطبع
محمد حسین
ظفر

سپس سپاس لسان عربی که در معرفت طریق از سعادت
شناخت بدایت مطلع مشنوی بی مقطع حمد ثنائی لایضائی او
فضی افلاک چون بغا خاک بحریب عوفناک پس ز فرو و آوری
ورودنا سعد و بدان بیجا چه پیر اصحیفه جو و خاتمہ آرای سفینه سر و
که از قصید حمید فضائل او عرفی است لولاک لما خلقت الافلاک
صلی علیه صلوٰۃ باقیہ مملوۃ من تحت الشکاک فوق السموات علی
الارواح المہمکین فملا عتبه بغایت اللہ جمال بربره ایضا ضیا صد
آریان چار بارش یگان مخمور است با نیک و رین ایامه و خند خرم
بنوفیق ارد الملک العدم الذی علم الانسان بالاسماء الخیر جمیع
بجوامع الکلم المسماة بالاسم التاریخی مشنوی لایست که جمال لایضا
پیرانی کلونی و قاتق حقائق جامعیت پیت بهار عالم
حسنش اول جان تازه بیدار برنگ اصحاب صحت ربوبی
اصحاب مخرجه از مصنف قلمی حسن موطن فرید الدین و حمید العصر

مشهوره
صنف
جمعی
مطبع
محمد حسین
ظفر
الکونین مع حقایق
الطبیع
مطبع
محمد حسین
ظفر

اصحاب مخرجه از مصنف قلمی حسن موطن فرید الدین و حمید العصر